

تنگ با رنگ پاک نه میشود ! حمایت از حرمین شریفین یا عطش قدرت نگهبانان کعبه ؟

پیوسته به گذشته بخش شصت و پنجم



محمد امین فروتن



هنوز درد جانسوز فرخنده آن شهید راه آزادی و عدالت و ۳۱ تن از مسافران غریبی از سرزمین افغانستان که با توجیحات دینی و مذهبی قربانی متحجران و سنگدلان تاریخ شده اند فروکش نکرده بود که ناگهان خبر حمایت افغانستان از عربستان در جنگ یمن گوشهای همه آزادی خواهان را خراشیدند و مایه تعجب همه ما گردید ؛

<https://www.youtube.com/watch?v=UwqQJo6sd5k&feature=youtu.be>

نکته ای اصلی و خاطره انگیزی که در این حمایت وجود دارد و یکبار دیگر مسأله مشروعیت معیوب در حوزه حقوقی دولت وحدت موسوم به ملی افغانستان را بر ملا ساخت و شخصاً این قلم را به گذشته دهه نود آنگاه که ارتش عراق به سر قوماندانی صدام حسین به بهانه واهی داعیه ملکیت حقوقی کویت آنکشور را اشغال نمود و عربستان سعودی باز هم به همین شعار فریبنده دفاع از حرمین شریفین از تمامی کشورهای اسلامی خواست تا در فراخوانی شرکت کنند که از سوی کشورهای اسلامی بنام ائتلاف ضد عراق و آزاد سازی کویت بر هبرئی عربستان و ایالات متحده آمریکا بوجود آمده است .

https://www.youtube.com/watch?v=M_CX-JjGFO8

به یاد دارم که در همان زمان یعنی ۲۳ آگست ۱۹۹۰ نیز حکومت تبعیدی مؤقت مجاهدین واقع در پیشاور پاکستان متشکل از شش تنظیم مستقر در پیشاور فیصله نموده بودند تا دوهزار مجاهد که سپس به سه صد نیروی از مجاهدین تقلیل یافت (۱) برای دفاع از اماکن مقدس اسلامی به عربستان سعودی اعزام نمایند اما هیچکسی ندانست که سه صد تن از جنگجویان افغان که خود در سرزمین های بیگانه در جستجوی لقمه نانی تن به هر کاری میدهند در معادله جنگ معروف برای تسخیر نفت چه تغییری را بجا خواهند گذاشت ؟

<https://www.youtube.com/watch?v=phExw0diq7g>

اما آرام آرام معلوم گردید که اعزام این مجاهدین که به اساس تقاضای مکرر عربستان سعودی صورت گرفته بود تنها هدف از آن بهره گیری تبلیغاتی بوده نه آنکه ضرورت نظامی باشد. این بار نیز با همان شعار های غیر موجه که بیشترین مصرف آن ها در جوامع عقب نگاهداشته شده ای شبه مذهبی همچون افغانستان تشخیص گردیده است مسلمانان جهان بویژه کشورهای و جوامعی که سران شان با دینار های عربستان به قدرت رسیده بودند بنام دفاع از حرمین شریفین وارد گود بازی نمودند .



به هر حال از این گونه استفاده های ایزاری از مقدسات مردم و خم و چم های حاکمان دست نشانده زیاد داشتیم ، پرسش مهی که نزد هر انسان آزاده خطور میکند ، این است که اخیر چگونه کعبه این میعاد گاه ابراهیمی توحید و رسالت انسانی اسلام در پیش چشم نگهبانان و میراث خواران اشرافیت معاصر تهدید به انهدام میشود ؟ آیا براستی هم باردیگر جنگجویان ابرههء حبشی سوار بر فیلان عزم را جزم کرده تا کعبه این خانه مقدس مسلمانان و همه موحدان عالم را ویران کنند ؟



بدون شک آثار اینگونه جعلیات را باید در تزویر خانه های دربار آل سعود مشاهده کرد و با چشم واقیعت های روزگار مشاهده نمود که چگونه عطش قدرت خواهی و ثروت اندوزی درباریان آل سعود در وجدان اجتماعی ملت ها می تند ؟ اما شاید اذنبی از سلالهء یزیدیان قرن و حاکمان آل سعود در همدستی با حاکمان دغلبازی در کشورهای اسلامی ارادهء استیلاگرایانه خویش را با شعار های مظلوم نمایانه ای چون ، وای که کعبه در خطر است بپوشانند !! مگر به یاد داشته باشند که ملت ها برای همیشه فریب فریبکاران را نه میخورند .

ننگ با رنگ پاک نه میشود !

اکنون بر میگردیم و بار دیگر نگاه میکنیم که چگونه از دیوار های زیارت شاه دوشمشیره که با شهادت فرخنده میعاد گاه موحدان راستین و مشعلداران عدالت و آزادی مبدل گشت هنوز هم بوی خون شهادت فرخنده شهید این قهرمان راستی و سنبولی از « نه » گفتن در میان نسل حاضر به مشام ها میرسد ؟ هنوز هم شعار میدهند که « ننگ با رنگ پاک نه میشود » دیوار ها این کتیبه بی زبان تاریخ خونین میهن ما را ببینید که خشت ، خشتی از آن بر قاتلان فرخنده این شهید راه آزادی و عدالت نفرین می فرستند ؛ بزرگترین افتخار کابل پر خون نفرین های اند که از سنگ ، سنگ آغشته به خون فرخنده بر میخیزند و قاتلان و همدستان آنها را نکوهش میکنند ؛ اما باید افشاگری کرد و متأسفانه افشاگری از آنچه که نباید نیاز به افشاگری داشته باشد ، ما و همه عدالت خواهان آزادی خواه و مؤمنی که در قطرات خون فرخنده این شهید راه عدالت توطئه یزیدی روی دیگر توطئه ،

توطئه گران شکست خورده ای این جنایت فجیع را میبینیم که چگونه مرگ این شهید راه آزادی و عدالت را تا حد شعار مبارزه با خرافات تقلیل میدهند و قتل فرخنده را کار چند تن از تعویذ نویسان زیارت شاه دوشمشیره می نامند !!

شکفت انگیز ترین و در عین حال متضاد با روح قضیه قتل فرخنده شهید اعلام نتایج بوده که از سوی کمیسیون موسوم به کمیسیون حقیقت یاب برای قتل شهید فرخنده تشکیل و طی کنفرانس مطبوعاتی اعلام نمودند که گویا وی در سوختاندن نسخه ای از قرآن دست نداشته و این قتل هیچگاه از سوی نهاد های خاصی طراحی و سازماندهی نه شده بود و علمای دین هم در این راستا هیچگونه تقصیری ندارند

<https://www.youtube.com/watch?v=FBfMOgJFeBQ>

نگاه کنید این قضاوت کمیسیون به اصطلاح حقیقت یاب قتل شهید فرخنده را که چگونه سوزاندن نسخه یا نسخه های از قرآن پاک را بصورت غیر مستقیم مستوجب چنین مجازات سنگین و درد ناک می دانند که گویا به اثر تحقیقات گسترده و همه جانبه ای که این کمیسیون به عمل آورده اند ، فرخنده نسخه ای از قرآن پاک را به آتش نه کشیده است !!!؟! لہذا در حق وی ظلم و جفای صورت گرفته که مجریان این قتل را با زودترین فرصت به مجازات باید رسید !!

چشم همه ما روشن !!

آیا این نوع اظهارات توجیه همان قرئت داعشی نیست که اگر کسی قرآن را به آتش کشد دادگاه میتواند در پرتو قرئت خاصی از اسلام وی را به آشد مجازات محکوم کند ؟ و آیا با این کشف بزرگ و معجزه آسای !! که کمیسیون مرکب از دانشمندان و شخصیت های علمی و دلسوز میهن که چند تن از داعیان حقوق زن در عصر کنونی نیز در آن حضور داشتند دریافته اند و با این دست آورد عظیم تاریخ بشر بویژه جهان اسلام دیگر هیچگاه پدیده ای بنام خشونت و بی عدالتی در حوزه حیات سیاسی و اجتماعی زن بروز نخواهند کرد !!!؟ واقیعت این است که با ترویج چنین گفتمان تاریخی در حوزه دین نه تنها خشونت از میان نه میرود بلکه با تعیین و گماشتن چنین کمیسیون های حقیقت یاب جنایت و خشونت را برسمیت شناختن است و بس !

وقتی قاتلان قافیه را می بازند !

دومین و جالب ترین قسمت سناریوی قتل شهید فرخنده آنگاه است که اگر درمرحله ابتدائی پروژه خونین قتل شهید فرخنده به هر دلیلی خللی واقع میشود نباید تن به تسلیمی دهند و قافیه را به نفع به گفته آنها به عمال یهود و نصاری و اگذار کنند !! ، روی همین دلیل بوده که طراحان این قتل وقتی با معادلات جوامع قرون وسطائی آشوب بر پامیکنند اما نه میدانند که انسان امروزی دارای چه ظرفیت ها و خلاقیت های است که انسان های قرون گذشته هیچگاه از آن بهره نه میبردند و دارای چنین قدرت اعجاز آمیزی نبودند لہذا با شیوه های کلاسیک و عنعنوی این حادثه را طراحی میکنند . لہذا با صدور دستور اجراء و اعمال پروژه قتل شهید فرخنده به بسیار زود و در نخستین ساعات حادثه اعلام گردید که فرخنده شاگرد مکتب اسلام و در یک خانواده مذهبی به دنیا آمده بود ، چنانچه وقتی وی در میان اوباشان ولگرد و معتاد مورد پرسش قرار میگردد که چرا قرآ کریم را به آتش کشیده اند حتماً شما را

امریکائی ها فرستاده اند !! وی با جرئت بینظیری میگوید که شما را هم چیزی گفته بودم و امریکائی ها را هم !!!!

<https://www.youtube.com/watch?v=-bTyxLEbUek>

اما قاتلان شهید فرخنده پس از آنکه با ادبیات و ترمولوژی معلوم الحالی از کانگستر های آشوب گر و فتنه گران معلوم الحالی سخن میگویند و اینکه وی تا هنوز هم در برابر ظلم و بی عدالتی از توان مندیی « نه » گفتن بهره مند است وی را به میدان معرکه میکشانند و در انطباق کامل با گفتمان داعشی از شریعت اسلام وی را به شهادت میرسانند، برای قاتلان چنان وانمود شده بود که با کشتن کسی که با قرآن بی حرمتی نموده است دیگر اوباشان و قاتلان نه بلکه از جوانان مؤمن و از مدافعان راستین مقدسات مذهبی به حساب خواهند آمد، لهذا از همان آغاز که خورشید حقیقت بر جنایت علیه انسان مظلوم بر تابیدن گرفت طراحان این قتل وی را داعی و از دعوتگران ضد تعویذ و خرافات معرفی نمودند که گویا برای دعوت مردم در راستای مبارزه با شرک و خرافات به آن زیارت رفته بود و مردم را به توحید دعوت می نمودند می بینند عزیزان ! این شعار ها همان نعره های اند که وقتی زنگیان مست داعشی یا همان پیروان راستین آل سعود و زمامداران عربستان از دشت ها و صحرا های داغ حجاز بنام لشکریان توحید و مبارزه با خرافات سرکشیدند و دسته دسته در جلگه های شام و عراق بر هر آنچه که میافتند چون گرگان گرسنه یورش بردند و بنام « دولت اسلامی شام و عراق » به غنیمت گرفتند ،

ادامه دارد

(۱) : برخی از تنظیم های شامل درحکومت مؤقت پیشاور با توجه به تغییرات سیاسی و شرایط منطقه واستقرار وسیع نیروهای غربی ازاعزام افراد نظامی خودداری کردند. تنها سه تنظیم برهبری مولوی خالص، صبغت الله مجددی وسید احمد گیلانی سیصد تن از نیروهای خود را به سعودی اعزام داشتند.